

تخت جمشید یادگار هزاره ها

ویرانه ای به شکل کشتی بی بادبان از دور هویداست. اینجا تخت جمشید است. جایست که پس از سالیان سال که از ویرانیش می گذرد، ایستاده است تا ما را با زبان بی زبانی خویش به جهانیان بشناساند. تخت جمشید مانده است تا ما به آنهایی که تصویر کولیها را به عنوان همه ایرانیها نشان می دهند و ما را ملتی بی فرهنگ می دانند، بگوید که ما کولی و بی فرهنگ نیستیم. تخت جمشید ایستاده است تا بگوید اساس سازمان ملل در ابتدا در کشور ما گذاشته شده است. چرا که خشایار شاه در کتیبه ای که در دروازه ملل به سه زبان نگاشته است می گوید من اینجا را برای گردآوری ملل ساخته ام. تخت جمشید ایستاده است تا به دنیا بگوید ایرانیان چگونه خوی مدارایی داشتند که هر کس با میل خویش هر چه در توان داشت پیشکش می کرد. یکی جام طلا یکی شلوار جوراب دار یکی ماده شیر و دیگری زرافه. تخت جمشید مانده است تا به دنیا بگوید ایرانیان از سلاله کسانی هستند که در آزادی و بلند نظری در دنیا نمونه نداشتند. ایستاده است تا به مردم دنیا بگوید ما از نسل کورش و داریوشیم که با خوی دادگری خود توانستند ملتهای زیادی را زیر یک پرچم پر افتخار به نام ایران نگه دارند. تخت جمشید به جای ما حرف می زند. به دنیا می گوید که ما تروریست نیستیم. ما فرزند هنرمندانی هستیم که هنرشان پس از گذشت هزارها هنوز پابرجا مانده است. ما فرزند هم اویم که اولین منشور حقوق بشر را نوشت. ما فرزندان عربهای بیابان گرد نیستیم. فرزند کسانی نیستیم که می گفتند یا اسلام را بپذیرید یا جنگ کنید یا جزیه بدهید. فرزند کسی هستیم که برای اینکه به دیگران درس دموکراسی و تحمل دیگر ادیان را بدهد در جلوی بت بابلیان، مردوک سر تعظیم فرو می آورد.

اما آیا تخت جمشیدی که امروز می بینیم در شأن ایرانی است؟

در اطراف پارکینگ تخت جمشید آنقدر زباله ریخته است که با خودت می گویی اینجا پارکینگ است یا محل دفن زباله؟ فاصله جایی که ماشینها باید ایست کنند تا خود صافه زیاد است. افراد چاق و افرادی که درد کمر دارند پیمودن این راه برایشان مشکل است. اتوبوس یا ماشینی برای اینکه مسافران را از محل پارکینگ به صافه ببرد وجود ندارد. در قسمتی از تخت جمشید غرفه هایی برای صنایع دستی در نظر گرفته شده که فروشگاه برای خرید بستنی و آب معدنی و آب میوه دارد. اما بر روی خود صافه هیچ امکاناتی وجود ندارد. در گذشته در نزدیکی موزه یک فروشگاه بود که آن را به محل غرفه ها انتقال داده اند. آشنا شدن با تمام تصاویر تخت جمشید وقت زیادی می برد. اما کسی که پس از دو ساعت حرف زدن دچار تشنگی شدیدی می شود، آبی

نیست که گلوی خود را تازه کند. کسانی که دوره راهنمای توریست گردانی را می گذرانند، یک بار برای همیشه به کلاس می روند و پس از گذشتن از دوره دیگر هیچ وقت برای آنها دوره ای در نظر گرفته نمی شود. بر عکس کشوری مثل آمریکا که هر از مدتی از راهنمایان خود امتحان می گیرد و به آنها رتبه یک و دو سه می دهد. در نتیجه این بی اهمیتیهاست که گاهی شاهدیم راهنمایان اطلاعات غلط به گردشگران می دهند. مثلاً یکی از راهنمایان به گردشگران می گفت سنگهای تخت جمشید به وسیله ملاتی که از شیر خرم و تخم مرغ و گل درست شده است، به هم چسبیده اند. در صورتی که سنگهای تخت جمشید با کلیس های آهنی و محکم به هم چسبیده اند و از هیچگونه ملاتی برای روی هم گذاشتن آنها استفاده نشده است. آنچه این راهنما گفته است در مورد بناهای ساسانی صدق می کند نه تخت جمشید. شاید باور نکنید در کاخ آپادانا چیزی شبیه حوضچه وجود دارد که جای لولای سنگی درهای عظیم ۱۸ متری است. یک گردشگر خارجی از یک راهنما سؤال می کند این حوضچه چیست؟ راهنما جواب می دهد اینجا حوضچه ای است که بچه های داریوش در آن آب بازی می کرده اند.

راهنمایی که برای تخت جمشید انتخاب می کنند باید کسی باشد که عاشق ایران باشد و برای ایران آبرو بخرد نه اینکه آبرو ببرد. از یکی از راهنمایان پرسیده بودند که چرا تخت جمشید عکس زن ندارد. آیا آنها زن ستیز بوده اند. یا اینکه هم جنس باز بوده اند. راهنمای بی شعور گفته بود. بله به گمانم هم جنس باز بوده اند. در حالیکه تخت جمشید یک کاخ عبادی بوده است. تصاویری از ژنرالها و سربازها پارسی و مادی می بینیم. کار سربازی و حراست از کشور هیچگاه به زنان نهاده نشده است. در ضلع شرقی و شمالی آپادانا هم که هدیه آورندگان را می بینیم همه مرد هستند. کسانی که از نقطه دوری مثل آفریقا یا هندوستان یا رنج یا کاپادوکیه و ... هدیه ای تقدیم پادشاه کرده اند همه مرد هستند. چون برای زن میسر نبوده است که این همه راه برای اهدای هدیه بیاید. برای خود آن کشورها میسر نبوده است که زنانشان را بفرستند.

کشورهایی مثل اسپانیا و ایتالیا بیشتر در آمد خود را از راه گردشگری می گذرانند. ما چیزی کمتر از آنها نداریم. تنها ۲۵۰۰ تپه باستانی در اطراف شیراز وجود دارد. اما هیچکدام از راهنما ها حتی جای این تپه های باستانی را هم نمی دانند.